

پژوهش‌های اسلامی خاورشناسان (علمی - تخصصی)

سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳

صص: ۸۳-۹۹

تحلیل شیوه «تعامل بین‌الادیانی» در اندیشه هنری دوله‌وگ

سعید جازاری معمولی^۱

چکیده

هنری دوله‌وگ، کشیش و دین‌پژوه مهم کاتولیک فرانسوی، در مسیر اسلام‌شناسی خود، با رویکردی متفاوتی به حوزه مطالعات تطبیقی وارد شده است. این مقاله در پی تبیین ویژگی‌های مطالعات مقارنه‌ای وی و تفاوت آن با دیگر اسلام‌پژوهان است. هنری دوله‌وگ با بهره‌گیری از روش تحقیق موضوعی و با تمرکز بر مفاهیم کلامی، در پی گسترش نگاه واقع‌بینانه و همدلانه میان ادیان به‌ویژه مسیحیت و اسلام و استفاده از ظرفیت ادیان برای گسترش صلح با وحدت کلمه میان آنهاست. یکی از ویژگی‌های مهم اسلام‌پژوهی وی، باور به وحیانی بودن دین اسلام و رد انقطاع وحی پس از حضرت عیسی است که میان علمای مسیحی مخالفان بسیار دارد. پیشنهاد اصلی دوله‌وگ متفاوت از دیگر اندیشمندان، بر ظرفیت‌های درونی ادیان تأکید دارد و آن را برای رسیدن به وحدت و هم‌زیستی ادیان کافی می‌داند.

واژگان کلیدی: دوله‌وگ، پلورالیسم، اسلام‌پژوهی، مسیحیت، هم‌زیستی.

۱. مقدمه

معنای نخست «الهیات تطبیقی» تابعی از رشته ادیان تطبیقی است که در آن مورخ دین، نظام‌های مختلف الهیات ادیان گوناگون را تجزیه و تحلیل می‌کند. معنای دوم آن در حوزه‌ای است که «علم دین» یا «تاریخ ادیان» نامیده می‌شود و بعضی از محققان برای نمایاندن وجهی از آن، این اصطلاح را به کار می‌برند؛ مثل ماکس مولر در کتاب **درآمدی بر علم دین** این اصطلاح را در اشاره به بخشی از «علم دین» که صور تاریخی دین را در تقابل با «الهیات نظری» - که شرایط فلسفی امکان پدیدآمدن دین را بررسی می‌کند - به کار می‌برد. محققان معاصر این اصطلاح را به معنایی که مولر یا کلارک به کار برده بودند، به کار نمی‌برند. این اصطلاح امروزه دو معنای متمایز دارد. نخست همچنان به معنای تلاش و تحقیق تطبیقی در زمینه پژوهش عرفی تاریخ ادیان که در آن الهیات مختلف با برخی روش‌های تطبیقی جافتاده باهم مقایسه می‌شوند؛ اما در کاربرد رایج، «الهیات تطبیقی» به تحقیق کلامی یا الهیاتی گفته می‌شود که نه یک بلکه چند سنت را بر مبنای جنبه کلامی‌شان بررسی می‌کند. (تریسی، ۱۳۷۴: ۲۷۱ و ۲۷۲) در این میان باید توجه داشت که توصیف و مقایسه نظام‌های الهیاتی همواره با به‌کارگیری روش واحد صورت نمی‌گیرد؛ بلکه در آن از انواع روش‌ها و رهیافت‌ها استفاده می‌شود. اساساً رشته دین‌پژوهی و دانش ادیان با توجه به شمول و حالت مقایسه‌ای خاصی که دارد، از همان آغاز ماهیتی تطبیقی دارد. (همتی، ۱۳۸۰: ۱۵۰) اجمالاً می‌توان رویکرد هنری دوله‌وگ^۱ را در حوزه مطالعات الهیات مقارنه‌ای در دسته اخیر جای داد.

هرچند از فعالیت پژوهشی هنری دوله‌وگ^۲ در حوزه اسلام و متون اسلامی بیش از

۱. Henri De La Hougue.

۲. هنری دوله‌وگ در ژانویه ۱۹۶۹ در شهر پاریس فرانسه و در خانواده‌ای مذهبی و کاتولیک متولد شد. وی لیسانس خود

یک دهه نمی‌گذرد، اما در همین مدت کوتاه، وی توانسته آثار فراوانی در این حوزه منتشر کند. تفاوت آشکار وی در مطالعات اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی با دیگر خاورشناسان فرانسوی مثل لوئی ماسینیون، هنری کوربن، پیرلوری، امیرمعزی و دیگران، در روش، نوع نگاه و انگیزه مطالعاتی وی نهفته است. مطالعات و تحقیقات وی بیشتر بسان فردی است که در لابه‌لای آثار اسلامی به دنبال گم‌شده‌اش می‌گردد. وی در پی موضوع خاصی برای معرفی به دانشجویان و محققان در حوزه اسلام و تعالیم اسلامی نیست؛ بلکه در پی مشترکات میان مفاهیم الهیات مسیحی و اسلامی است. به بیان دیگر، هنری دوله‌وگ برای یافتن آثار وحی در دین اسلام و آموزه‌های می‌کوشد. شیوه مطالعاتی او - که از نوع بررسی موضوعی^۱ است - به تعیین و معرفی مسائل، موضوعات، مبانی و مفاهیم مشترک میان مبانی، مفاهیم و تعالیم اسلام برگرفته از متون اسلامی، با همان موضوعات و مسائل در متون مسیحیت کاتولیک است؛ از این رو رویکرد مطالعاتی وی نیز رویکردی مقارنه‌ای، تقریبی و تعاملی با اسلام است.

وی که اداره و ریاست بسیاری از مراکز و نهادهای مهم گفت‌وگو میان اسلام و مسیحیت را در فرانسه عهده‌دار است، بر موضوع تعامل و هم‌زیستی میان مسلمانان

را در سال ۱۹۹۷ میلادی در علوم دینی مسیحیت و رشته مطالعات عرب و اسلامی از دانشگاه روم ایتالیا دریافت کرد. وی مدتی بعد در سال ۲۰۰۱ لیسانس دیگری در رشته الهیات مسیحیت و الهیات ادیان از دانشگاه کاتولیک پاریس دریافت نمود. وی سپس در سال ۲۰۰۸ در همان دانشگاه موفق به دفاع از رساله دکتری خود با عنوان «احترام به عقاید دیگران» شد. از همان سال تاکنون وی استاد دانشگاه کاتولیک پاریس بوده و در سه سال اخیر، ریاست و اداره دانشکده یا مرکز مهم علوم و الهیات ادیان دانشگاه کاتولیک پاریس (Institut de Science & de Théologie des Religions (ISTR)) که به اختصار (L'ISTR) نیز خوانده می‌شود را داراست. وی هم‌زمان مدیریت مرکز «حوزه علوم دین سولپیس مقدس» (Le Séminaire de Saint Sulpice) را نیز عهده‌دار است که از سال ۱۹۰۶ مهم‌ترین مرکز تربیت کشیشان و شخصیت‌های دینی مسیحیت کاتولیک و اداره‌کنندگان کلیساهای نقاط مختلف فرانسه و برخی کشورهای هم‌جوار آن است. جلسات بزرگان کلیسای کاتولیک فرانسه و کشورهای هم‌جوار، در ایام حضور پاپ در فرانسه، در این محل برگزار می‌شود.

1. Recherche thématique

و مسیحیان تأکید فراوان دارد و غالباً پدران مسیحی و دانشجویانش را نیز با همین رویکرد پرورش می‌دهد و البته از نقدها و مقابله جریان‌های تندروی مسیحی در فرانسه و برخی دیگر کشورها مصون نمانده است.

هنری دوله‌وگ در برنامه‌ریزی متون درسی و آموزشی دپارتمان تحت اشرافش در دانشگاه کاتولیک، سعی در گنجاندن سرفصل‌هایی مانند جریان‌شناسی اسلامی، تفسیر متون مقدس اسلامی و گونه‌شناسی آن، مذاهب و فرق اسلامی، تفسیر قرآن بر اساس مبانی مختلف مذاهب و نیز شیعه‌شناسی و بررسی تطبیقی مفاهیم مقدس دارد تا از این طریق به هدفش - که آشکار کردن مشترکات دو دین بزرگ توحیدی برای پیروان آنها است - نائل آید.^۱

در این مقاله بر آنیم که با روش توصیفی-تحلیلی که شیوه‌ای برای پاسخ دادن به پرسش چیستی و چگونگی موضوع مطالعه است؛ رویکرد هنری دوله‌وگ را در مطالعات دین‌پژوهانه و به‌ویژه در مطالعات اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی با بهره‌گیری از آثار خود او شناسایی کنیم و تفاوت روش و نگاه او به دیگران پژوهشگران را دریا بیم. به بیان دیگر این مقاله توصیفی از روش‌شناسی هنری دوله‌وگ و نوع مواجهه او با الهیات اسلامی است.

۲. رهیافت کلی به اسلام

یکی از اهداف اصلی هنری دوله‌وگ ایجاد هم‌زیستی میان ادیان به‌ویژه مسلمانان و مسیحیان است. این هدف روش‌هایی را که وی برای رسیدن به این هدف کلان دنبال می‌کند، متفاوت می‌کند؛ برای مثال وی برای دانشجویان دوره لیسانس

۱. نگارنده خود شاهد تلاش‌های وی در شناساندن اسلام حقیقی با برگزاری جلسات علمی و آموزشی، سمینارها، کنفرانس‌ها و گزینش رساله‌های فوق‌لیسانس و دکتری بوده است. وی با همه احترام و ارزش نهادن به دیگر ادیان، همواره انسانی متدین، کاتولیک معتقد و عمل‌گراست.

و فوق‌لیسانس، نخست سرفصل «اسلام و تاریخ آن» را تدریس می‌کند تا با ارائه تصویری واقع‌بینانه و به‌دور از تصویرهای واهی از اسلام در غرب، ذهنیت دانشجویان را اصلاح کند. وی مقدمه بحثی را با عنوان «تعامل و همکاری میان ادیان موضع اصلی برای جامعه ماست.» برای آغاز درس انتخاب کرده و آن را در آغاز ترم تحصیلی به دانشجویانش بازگو می‌کند. از آنجاکه این موارد پنج‌گانه از اصول و خطوط اصلی نگاه او به تعامل و هم‌زیستی ادیان است، به‌اختصار به آنها اشاره می‌کنیم:

نخست: مشارکت ادیان برای تحقق صلح با پیامی واحد و شفاف.

دوم: رسیدن به گفت‌وگو و گفتار واحد میان ادیان برای کاستن از رنج انسان‌های و بهبود رفتار انسانی.

سوم: پیشرفت‌های تکنولوژی برای رسیدن به منافع اقتصادی، پرسش‌های اخلاقی بسیار مهمی را مطرح می‌کند؛ پرسش‌هایی درباره محیط زیست، شبیه‌سازی و... اما این پرسش‌های پیش از فراگیری فناوری‌ها نبوده است و جوامع نیز به پرسش‌های ادیان و رویکردها ارزش چندانی قائل نیستند.

چهارم: در جهان فعلی با تلاقی فرهنگ‌ها و افزایش فردگرایی، تضعیف نهاد خانواده و فراگیری شبکه‌های اجتماعی، روابط انسانی و عاطفی به‌شدت تضعیف شده است. در این میان رسالت ادیان سازمان‌دهی ارتباطات و تعاملات است. ادیان به دنبال فراخواندن انسان به مشاهده و اهمیت بخشیدن به این برخوردها و تعامل‌ها هستند.

پنجم: با از بین رفتن اثرگذاری نهادهای بزرگ دینی از سویی و فردی شدن انتخاب دین از سویی دیگر، رسیدن به همسانی و هماهنگی اندیشه‌های الهی برای رفع این معضلات و نگرانی‌ها و سردرگمی‌های مخرب - که با ازهم‌پاشیدن نهاد خانواده آغاز شده است - برای هر انسان خردمندی روشن می‌شود. شرایط فعلی جهان به

موفقیت جریان‌های بنیادگرا کمک می‌کند و هرگز درصدد تلاش‌ی برای ساخته شدن جامعه‌ای برادرانه و متحد نیست. کمتر می‌دانیم چه کسی هستیم و چگونه معرفی می‌شویم، بلکه بیشتر هراس مواجهه و اعتماد داریم.

به یقین ادیان برای تلطیف جهان و رسیدن به صلح، بسیار اثرگذارند؛ اما این اثرگذاری با اتحاد و هم‌صدایی اعتبار و توان بیشتری خواهد یافت. آن‌ها می‌توانند به جایگاهی برسند که در کنار یکدیگر گواهی دهند که تلاقی و یکی شدن، ثروت ارزنده‌ای است و اینکه خداوند از همه ما همکاری در ساخت پادشاهی‌اش در زمین را توقع دارد.^۱

(Collectif, Bousquet, & Hougue, 2017)

۱.۲. باور به وحیانی بودن دین اسلام

نظرات هنری دوله‌گو در مورد اسلام و شخصیت پیامبر اکرم (ص) منحصر به فرد و دارای اهمیت ویژه است. وی پیامبر اسلام را «انسان برگزیده و شایسته که مورد خطاب وحی (طبیعی) است» می‌شناسد و از این رو دین اسلام را نیز دینی وحیانی برمی‌شمرد. او معتقد است که امروزه نمی‌توان جنبه الهی و وحیانی دین اسلام را نادیده گرفت. این موضوعی است که مورد پذیرش بسیاری از بزرگان کلیسای مسیحیت قرار نگرفته است. استدلال وی بر حقانیت دعوت پیامبر بر این مبناست که در تعالیم مسیحیت و متون مقدس به قطع شدن وحی پس از حضرت عیسی (ع) تصریحی نشده است؛ بلکه طبق آثار و حکایات مختلف در متون متأخر کلیسا، وحی و انکشاف وحیانی بوده و استمرار دارد. افرادی هستند که وحی یا نوعی الهام از طرف پروردگار بر آنان جریان دارد؛ از این رو مانعی نیست که بپذیریم حضرت محمد (ص) نیز مورد خطاب وحی قرار داشته است و تعالیم او نیز منشأ وحیانی دارند؛ به ویژه با توجه به مفاهیم آموزه‌های

۱. دوله‌گو این بحث را در ابتدای جلسه نخست ترم به دانشجویان ارائه می‌کرد، اما برخی از مطالب آن را می‌توان در ارجاعات ذکر شده یافت.

دین اسلام در عرصه توحید، نبوت عامه، رستاخیز و مضامین ادعیه، ثبوت وحیانی بودن آشکارتر می‌شود. او وقتی به بررسی زندگانی محمد (ص) می‌پردازد نیز عنصر وحی را برای پیامبر اکرم (ص) مثل تاریخ مسلمانان تأیید می‌کند، چراکه وی معتقد است پیامبر پیش از رسالتش نیز موحد بوده است. (Redaction, 2020)^۱

در کنفرانس مهمی که با عنوان «در مورد اسلام» در سال ۲۰۰۱ در کلیسای سنت ژرمن پاریس برگزار شد وی در سخنرانی خود در جمع عالمان کاتولیک و پدران دینی مسیحیت درباره پیامبری حضرت محمد (ص) چنین گفت:

«ما در مورد محمد پیامبر چه می‌توانیم بیندیشیم؟ او مردی است که در سال ۵۷۰ (میلادی) تا ۶۳۲ زیست. او انسانی مذهبی و متقاعد (به ایمان) بود. او در دوران زندگانی‌اش در مکه با موحدان برخورد نموده بود. او دارای این قدرت روحانی (معنوی) برای محکم بودن در عقیده توحیدی خویش و برای گذراندن اوقات برای عبادتش بود. او به عبادت‌های در خلوت مشغول می‌شد. وی به یقین در موارد پرشماری از خداوند، وحی دریافت کرده است؛ چنان‌که انسان‌های دارای تجربه معنوی، قادر به دریافت آن هستند. او شجاعت آن را داشت که با وحی زندگی کند و این وحی برخاسته از ایمان توحیدی را در کشوری که محل حضور مشرکان است، اعلام کند. به نظر من، او در آنچه به آن همت گماشت، انسانی قابل تحسین است. ما به یقین می‌توانیم بگوییم که او از جانب خداوند وحی دریافت کرده است و او یک پیامبر است؛ بدین معنی که وی وحی را با به خطر انداختن جان‌ش، میان دیگران تقسیم کرد. او چندین بار به مرگ تهدید شد، مورد ناسزا قرار گرفت و مجبور به هجرت به مدینه شد. من تصور می‌کنم که از آن دوران که او به مدینه رفت، تنها راه چاره وی برای گسترش اسلام در میان قبایل دورانش مبارزه با دیگر قبایل بود. به دنبال آن او به رهبری

۱. متن کامل مقاله دوله‌وگ در نشریه الکترونیک www.theologia.fi منتشر شده است.

نظامی مبدل شد تا رهبر دینی. هرچند برای او این دو به هم مرتبط بودند؛ از این رو امروز، اگر یک مسلمان نزد من بیاید و بپرسد: آیا تو می‌پذیری که محمد پیامبر است؟ اگر او را نشناسم، ترجیحاً می‌گویم: نه! زیرا اگر بگویم بله، با توجه به اینکه تنها یک خدا وجود دارد و من پذیرفته‌ام که محمد پیامبر است، من مسلمان هستم؛ بلکه به عکس وقتی من در جلسات گفت‌وگوی میان اسلام و مسیحیت حاضرم - که مسلمانان آن جلسه را از مدت طولانی می‌شناسم و با ایشان کار می‌کنم، به آنها می‌توانم بگویم: «بله». من ایمان دارم که محمد یک پیامبر بوده، در آنچه انجام داد و در آنچه زندگی کرد؛ اما واژه به دام می‌اندازد. وقتی ما سخن می‌گوییم، باید نه تنها به آنچه خواهیم گفت بیندیشیم، بلکه باید به انعکاس گفتارمان در دیگر فرهنگ‌ها نیز اندیشه کنیم...» (de la Hougue, 2001: 92)

۲.۲. تحلیل نگاه دوله‌وگ

به نظر می‌رسد که در شرح و تبیین این فصل از حیات رسول گرامی اسلام، الفاظ و اصطلاحات دوله‌وگ کفایت نکرده و رسا نیست. پیامبر اکرم (ص) در بسیاری از این نبردها به دفاع از کیان اسلام و پیروان آن - که برخی از آنها اموال و زندگانی‌شان به دست کفار غارت شده بود- پرداخت. دعوت پیامبر به دین، چنان‌که دوله‌وگ در موارد دیگری به آن اشاره داشته است، از طریق جنگ نبوده است. ضمن اینکه نفوذ معنوی و روحانی وی، یاران را به تبعیت از او واداشت، اگرچه این تبعیت و آن نفوذ به شکل نظامی‌گری و رهبری نظامی ظاهر شد. به نظر می‌رسد منظور ایشان همین نکته است، اما با توجه به فضای جلسه کنفرانس، از این ادبیات استفاده شده است. با توجه به شناخت طولانی مدت و نزدیک نگارنده از ایشان، او نفوذ معنوی و ملکوتی پیامبر را نه تنها می‌پذیرد که در محافل مختلف بارها بر آن تأکید کرده است.

اسلام‌شناسی هنری دوله‌وگ پس از یک دهه تلاش وی در حوزه اسلام، بیش از آنکه که

در دل کتابخانه‌ها و مراکز مطالعاتی سپری شود، در میان مسلمانان و با شیوه میدانی محقق می‌شود. جلسات او با مسلمانان در نهادهای گوناگونی که برای تعامل و گفت‌وگو میان مسیحیان مسلمانان تأسیس یافته‌اند، همچون گریک^۱، گائیک^۲ و ژفیک^۳، دانسته‌های فراوانی را برای وی به ارمغان آورده است. وی در کنار این جلسات به سفرهای گوناگونی نیز رفته است تا مطالعاتش را عملاً نیز ثبت کند. در سال‌های اخیر سفر او برای کنفرانسی در ریاض عربستان، مسافرتش به عراق و دیدار با عالمان شیعی

1. Groupe de Recherches Islamo-Chrétien (GRIC)

یکی از مهم‌ترین نهادهای غیردولتی و وابسته به کلیسای کاتولیک که وظیفه گفت‌وگو و تعامل میان اسلام و مسیحیت را به عهده دارد. این نهاد مهم که اعضای آن را محققان و نخبگان دو دین مسیحیت و اسلام تشکیل می‌دهند، نخست بار در سال ۱۹۷۷ در پاریس تأسیس شد و سپس در کشورهای هم‌جوار و نیز کشورهای عرب-مسلمان همچون تونس، مراکش، الجزایر، لبنان و غیر آن مراکزی را در جایگاه نماینده مستقل پذیرفت. گریک در کشورهای گوناگون ماهیانه جلساتی را به صورت موضوعی تشکیل می‌دهد و محققان اسلام و مسیحیت به بررسی یک عنوان - که البته غالباً و آتی‌کان آن را تعیین می‌کند- در لابه‌لای متون دینی خویش می‌پردازند. حاصل تلاش‌های هر کشور در طول سال به پاریس منتقل شده و در همایش سالبانه طرح می‌شوند. این تحقیقات، که بیشتر به مقصود نزدیکی دو دین در مشترکات (اعم از مبانی عقیدتی، کلامی و فکری است) به صورت کتابی؛ سالبانه به چاپ می‌رسد و مورد استفاده عالمان هر دو آیین قرار می‌گیرد. این مرکز در فرانسه تحت اشراف هنری دوله‌وگ اداره می‌شود.

2. Groupe d'Amitié Islamo-Chrétienne (GAIC)

این نهاد دینی مستقل از دولت در سال ۱۹۹۳ در فرانسه تأسیس شد. هدف از تأسیس آن بالابردن دانسته‌های پیروان اسلام و مسیحیت از یکدیگر در مبانی اخلاقی، عرفانی و ادعیه است. در واقع می‌توان این نهاد را فصل مشترک میان دیگر نهادها دانست که سطح جلسات آن نسبت به گریک، عمومی‌تر و غیرتخصصی است و البته نسبت به ژفیک عرصه مخاطب بیشتری را دربرمی‌گیرد.

3. Le groupe de foyers islamo-chrétiens (GFIC)

این نهاد غیردولتی نیز در سال ۱۹۷۷ در پاریس تأسیس شد. مقصود عام از این نهاد، بیشتر گردهم‌آیی مسیحیان و مسلمانان با یکدیگر و ایجاد زمینه‌های هم‌نشینی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و دوستانه میان پیروان دو آیین در فرانسه و امروزه در دیگر کشورهایی است که پیروان اسلام و مسیحیت در کنار هم حضور دارند؛ اما هدف اصلی این نهاد، ایجاد زمینه‌آشنایی و تفاهم میان زوجینی است که یکی مسلمان و دیگری مسیحی است. خانواده‌های این چنین با شرکت در جلسات آموزشی ژفیک با راه‌های هم‌زیستی همراه با محبت کامل نسبت به یکدیگر آشنا می‌شوند و عملاً این نهاد آنان را از تنش‌های احتمالی میان دو تفکر دینی بر حذر می‌دارد. به بیان دیگر این نهاد آموزش نوعی تفکر و عمل‌گرایی پلورالیستی را به زوجین دارای دو دین متفاوت عهده‌دار است.

و نیز دیدن عتبات عالیات در کربلا و نجف همه در همین مسیر و با همان انگیزه رخ داده است.

۳. روش‌شناسی شناخت اسلام

متدولوژی دوله‌وگ در حوزه اسلام‌شناسی و بررسی فرق اسلامی، بیشتر بر اصول زیر استوار است که وجه تمایز او با برخی مستشرقان دیگر محسوب می‌شود:

مطالعات کتابخانه‌ای با رویکرد کلامی؛ مطالعات او در ابتدا به روش کتابخانه‌ای تکیه دارد. وی نخست به دنبال شناخت اجمالی موضوع مورد نظرش در بین آثار مکتوب و مطبوع می‌رود. آنگاه یکی از موضوعات که جنبه سرفصل و کلی دارد را برای تحقیق و پژوهش بیشتر برمی‌گزیند؛ البته این‌گزینهش بر اساس نیازهای مطالعاتی او در حوزه الهیات و کلام مسیحی خواهد بود، چراکه وی عرصه تحقیقات خود را صرفاً در این محدوده محفوظ داشته و به خلاف دیگر اسلام‌شناسان، تلاش وی در بررسی مفاهیم کلامی اسلام معطوف و مصروف است تا بر دیگر جوانب آن. به عبارت دیگر می‌توان گفت نخست وجه تمایز دوله‌وگ با دیگر خاورشناسان، تمرکز بر مفاهیم کلامی است که کمتر در آثار دیگر مستشرقان می‌بینیم.

تحقیق موضوعی؛ دوله‌وگ روش تحقیق موضوعی^۱ را برمی‌گزیند. وی یکی از موضوعات اعتقادی (کلامی) را که در متون مقدس و تفسیری مسیحیت مطرح و مرکز توجه است، انتخاب و سپس آن را در کلام اسلامی پی می‌گیرد. این مطالعات جنبه مقارنه‌ای و تطبیقی دارند.^۲

1. Recherche thématique

۲. از اواسط سال ۲۰۱۱ نگارنده به همراهی ایشان و برخی دیگر از عالمان دینی مسیحیت و اسلام برای بررسی موضوعی در اعتقادات و کلام دو دین، جلساتی را آغاز کردیم. در این محفل علمی-دینی، مسائلی همچون مفهوم شهادت، مصادیق شهادت، شهیدان مقدس، مفهوم عرفانی و باطنی شهادت، در قانون دین اسلام و مسیحیت و... موضوع بحث قرار گرفت. پس از آن، موضوع آزادی بیان در اسلام و مسیحیت عنوان بحث شد. همچنین در جلسات ویژه گفت‌وگو میان اسلام و مسیحیت در سال ۲۰۱۱ عنوان پیامبران و سرفصل «نقش حضرت نوح» به صورت تطبیقی

البته باید دانست که نگاه وی چنان‌که بیان شد، کاملاً تقریبی و مقارنه‌ای است و البته گرایش‌های پولوریستی وی با رویکرد حداقلی و مثبت نه حداکثری منفی آن نیز انکارناپذیر است. به بیان دیگر وی قائل به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان ادیان بزرگ و بهره‌گیری متقابل هر یک از دیگری است؛ صرف‌نظر از نقاط افتراق میان آنها. این همان مطلبی است که وی در اثر خود «احترام به عقاید دیگران»^۱ به آن تأکید و اصرار دارد. وی در خصوص نگاه تعاملی-تقریبی و گفت‌وگوی میان دو دین بزرگ مسیحیت و اسلام می‌گوید:

«مناقشه نظری و دینی نیز در این میان وجود دارد. برای بهتر فهمیدن نقش کلیسا و مسیحیان در جامعه‌ای که ادیان پرشماری در آن وجود دارد، تنها نیابد به حمایت از مسیحیت پرداخت؛ چراکه ما حاملان خبری نیک برای تمام جهانیم. اما چه چیزی ما را در نظرم‌ان نسبت با دیگر ادیان به‌ویژه اسلام گرفتار کرده است؟ آیا جز این است که بدانی که خداوند می‌خواهد به ما پادشاهی خویش را آشکار کند؟ بهتر است بدانیم که ما باید این را برابر اعضای دیگر ادیان نیز نمایان کنیم». (H. de L. Hougue, & Doré, 2001: 122)

مشکل اینجاست که الهیات مسیحی در قرون اخیر در دورانی مراحل تکامل خویش را طی کرده که اکثریت جامعه را مسیحیان تشکیل داده‌اند و برخورد و تلاقی با دیگر ادیان به جز دوردور نداشته است. میسیونرهای مسیحی (مبلغان) نیز تنها به مفهوم حضورشان و با توجه به مأموریتشان و آنچه در متن مسیحیت حاکم بود و در الهیات آن آمده، می‌اندیشیدند. این همان مشکل هضم و فهم الهیات از دوران شورای اسقف‌ها^۲ است.

در جلسات ماهیانه موضوع بررسی قرار داشت که بیش از پانزده مقاله علمی حاصل این جلسات بود.

1. L'Estime de la foi des autres

۲. Concile یا شورای اسقف‌ها، به انجمنی اطلاق می‌شود که از گردهم‌آیی اسقف‌های کاتولیک و گاه ارتودوکس تشکیل یافته و هدف از آن قانون‌گذاری و تصویب فرامین کلیسایی است. در مسیحیت کاتولیک پنج نوع شورای

۴. راه‌کارهای مواجهه مسیحیت با دیگر ادیان

نتیجه مطالعات مقارنه‌ای هنری دوله‌وگ و ده‌ها کنفرانس، نشست و سفر او و تعاملش با متن جامعه اسلامی و عالمان دینی، او را به نگاهی واقع‌بینانه و همدلانه رهنمون ساخته است که به باورش می‌توان وضعیت تعامل و هم‌زیستی میان ادیان به‌ویژه اسلام و مسیحیت را بهبود بخشید. وی در خلال سخنرانی‌ها و آثارش، راه‌های موجود برای تعامل را بررسی کرده است. با مطالعه آثار او به دوراهی‌هایی می‌رسیم که نتیجه انتخاب شیوه پیشنهادی او برای هم‌زیستی است. از آنجاکه شیوه‌های طرح‌شده از سوی دوله‌وگ برای مواجهه با ادیان و شیوه انتخابی و پیشنهادی او از میان آنها، نتیجه مطالعات اوست، به اختصار به این روش‌های اشاره می‌کنیم.

۱.۴. نسب‌گرایی

نگاه نخست آن است که از تمرکز بر سنت‌های دینی و مذهبی خویش فاصله بگیریم، چراکه طبق این دیدگاه تمام سنت‌های دینی محدود و نسبی‌اند و از عوامل انسانی همچون حوادث تاریخی، ژئوگرافی، سیاسی و... نشئت گرفته‌اند. آن‌ها در تلاش‌اند که پاسخی برای معماهای انسانیت مانند معنای زندگی، مسئله مرگ و رنج بیابند. هیچ دینی نمی‌تواند ادعا کند که نسبت به دیگر ادیان راه بهتری را به حقیقت خدا یافته است. موضوع اصلی این است که راهی به فهم بلندمرتبه‌گی خداوند یافت شود و تفاوتی ندارد که چه عنوانی به این راه داده شود. در این ادراک، چیستی منبع خارجی و مادی ادیان، امری ثانوی است. کثرت‌گرایی دینی نظریه‌ای است که بر

اسقف‌ها یا کونسیل وجود دارد که در دو دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

شوراهای عمومی (les conciles généraux ou œcuméniques) که متشکل از همه اسقف‌ها از مناطق گوناگون است

و معمولاً به صورت سالیانه یا دو بار در سال تشکیل جلسه می‌دهد.

شوراهای ویژه یا اختصاصی (les conciles particuliers) که تنها برخی اسقف‌ها در آن حضور دارند و در موارد ویژه و مهم تصمیم می‌گیرند. شوراهای ویژه چند نوع‌اند؛ مثل شورای استانی، شورای منطقه‌ای، شورای محلی و شورای خاص.

اساس آن حقیقت می‌تواند از نوع و تکثر مشروع برخوردار باشد. کیث یان‌دل تفسیر تقریباً رسمی کثرت‌گرایی دینی را چنین بیان می‌کند: «همه سنت‌های دینی، دارای اعتبار یکسان‌اند». (Yandell, 1999: 97) فیلیپ کوپین نیز در این زمینه معتقد است: «بر اساس کثرت‌گرایی، واقعیت دینی غایی یگانه به صورت‌های متفاوت، در همه سنت‌های دینی اصلی، درک و تجربه می‌شود؛ تا آنجا که می‌توان گفت همه آنها به‌طور برابر راه‌هایی عملی برای رسیدن به رستگاری و نجات ارائه می‌کنند». (Quinn & Meeker, 1999: 260) در ارتباط با نسبیت‌گرایی دو شکل معمول است:

نخست: فاصله گرفتن از مجموعه سنت‌های دینی درحالی‌که به دنبال مخرج مشترک بسیار کوچکی باشیم که نهایت وجود خارجی ادیان قرار بگیرد. مابقی همه مانند پوششی فرهنگی و تاریخی، جنبه‌های ثانوی خواهند داشت. با این نسبیت‌گرایی، می‌توان همه ادیان را در یک طرح کلی جهانی ترسیم نمود. (هیک، ۱۳۸۷: ۷۴) در این طرح جهانی، الوهیت عیسی به مثابه یک اصطلاح متأخر و وابسته به سامان‌دهی و تشکل دادن به آیین مسیحیت، در اندیشه یونانی است. این همان راهی است که فردریک لنوار^۱ طی کرده است.

دوم: این شیوه نیز خارج از سنت دینی نیست؛ اما در این تفکر توجه بر این است که هر دینی به‌گونه‌ای وابسته به محیط فرهنگی و تاریخی است که آنچه نزد فردی قابل درک است، نزد دیگری قابل دریافت نیست. هر دینی برای پیروانش ارزش معینی دارد و تعدد ادیان نیز نتیجه استقلالی است که خداوند در اختیار انسان قرار داده ارتباط تا با خدای خویش و دیگران را سامان دهد.

۱. Frédéric Lenoir وی که متولد سال ۱۹۶۲ در ماداگاسکار است، متفکر، فیلسوف و جامعه‌شناسی است که مدرک خود را از مدرسه عملی پژوهش‌های عالی پاریس دریافت نمود و سال‌ها به عنوان محقق با آن مدرسه مرتبط بود. از سال ۲۰۰۴ وی مدیریت مجله جهان ادیان را عهده‌دار گردید. اما در سال ۲۰۱۳ از این پست خود استعفا داد.

عبارت پاپ بندیکت شانزدهم^۱ در اعلامیه دومینوس اییسوز^۲ «تعددی که از عمل وجود دارد تبدیل به تعدد حق می‌شود»، بدان معنا است که باید در نظر داشت هر دینی برای پیروانش آنچه مناسب آنها و آرامش آنهاست، در خود دارد. برای همین باید از این خواسته که یک مدل عددی برای تفکر درباره ارتباط میان خداوند و انسان‌ها ارائه داد، صرف نظر نمود؛ البته می‌توان این موقعیت را با اصطلاحی که گاهی شنیده می‌شود طراحی نمود: «هر دینی ارزشی دارد».

موضوعیت آیین که ادیان به آن رجوع دارند، امری نسبیت یافته در رابطه با بعد وجودی هر آیین است؛ البته می‌توان در هر دینی معادلی برای آن یافت؛ برای مثال ما برای الوهیت عیسی تعلیلی نمی‌آوریم اما آن را میوه یک تجربه واقعاً قابل فهم برای مسیحیت می‌دانیم و اینکه توحید در اسلام و وحی قرآنی نیز به همین سبک، بیانگر رابطه میان خداوند و انسان‌ها است. همچنین است که بودیسم یک آزادی صحیح را آورده است. همه اینها با ارزش است. اگر برخی بخواهند دین خود را تغییر دهند، می‌توانند، اما این خواسته، حقیقت یک دین را به اعضای آن دین القا می‌کند؛ نه پیروان دینی دیگر.

این دو شکل نسبیت‌گرایی با پیام مسیحیت چندان همساز و هماهنگ نخواهند بود. این دو شکل به صورت ضمنی در اعلامیه دومینوس اییسوز بیان شده‌اند.

۱. Joseph Aloisius Ratzinger پاپ بندیکت شانزدهم با نام اصلی یوزف آلوئیس راتسینگر در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۲۷ در شهرک مارکتل واقع در ایالت بایرن آلمان چشم به جهان گشود. یوزف راتسینگر در تاریخ ۱۱ فوریه ۲۰۱۳ کناره‌گیری خود را اعلام کرد و در روز ۲۸ فوریه ۲۰۱۳ واتیکان را به مقصد کاستل گاندولفو، کاخ تابستانی واتیکان ترک کرد. او در کل ۷ سال و ۱۰ ماه و ۹ روز در این مقام بود. او رتبه ۱۰۹ را در بین پاپ‌ها براساس میزان سال‌هایی که در این مقام بود را داشت. او ۲۶۵ مین پاپ بود.

۲. Dominus Iesus نام بیانیه‌کننده «نظریه آیین واتیکان در ارتباط با یکپارچگی و عمومیت دادن به منجی بودن حضرت عیسی و کلیسای آن» است. این بیانیه توسط پاپ بندیکت شانزدهم مرقوم گردیده و در ۱۶ ژوئن سال ۲۰۰۰ میلادی مورد تأیید پاپ وقت قرار گرفته است.

۲٫۴. راهی از درون ادیان

راه دیگر برای رسیدن به تعامل میان تعدد ادیان، بهره‌گیری از قابلیت‌های اعتقادی و دینی مسیحیت است. به باور دوله‌وگ این کار نباید با اعلام بعد جهانی مسیحیت و موضوعیت وحی آن یعنی عبارت «خداوند بر عیسی مسیح تجلی یافت» باشد. همچنین نگاه شورای اسقف‌ها نیز به ادیان در اینجا نمی‌تواند کارساز باشد وقتی معتقدند: «هیچ وحی جدیدی به صورت عمومی، قبل از ظهور با افتخار عیسی مسیح مورد انتظار نیست.» در اینجا نیز سه صورت وجود دارد:

صورت نخست: در این قسم تصور بر آن است که شناخت‌های ما از حقیقت، صورتی از بت‌پرستی است که ظهور یافته است؛ از این رو هرگونه شناخت دیگر ادیان از حقیقت راد می‌کند و در نتیجه هیچ‌گفت‌وگویی با غیرمسیحیان ممکن نیست. این همان جریان افراطی کاتولیک^۱ است.

صورت دوم: پیروان این‌گونه، در پی یافتن موارد مشترک بین مسیحیت و ادیان دیگر هستند و پس از یافتن اشتراکات، آن‌ها را برگرفته از آیین مسیحیت و نشان حقانیت خود می‌دانند؛ در واقع در پی یافتن تشعشات حقیقت دین خود (مسیحیت) در میان ادیان دیگرند که مرتبط با وجود رمزی روح حضرت عیسی است. می‌توان گفت این‌گونه، منتخب برخی پدران مسیحی مانند ژوستین مقدس^۲ است. روشن است که این صورت، چندان ادیان دیگر را معتبر نمی‌داند و در بسیاری از بخش‌ها آنها را کوچک می‌داند؛ هرچند با نگاه احترام‌آمیزی به دیگران ادیان می‌نگرند. (De La Hougue, 2001: 87)

۱. Posture intégriste catholique، نام جریان افراطی در مسیحیت کاتولیک که سابقه آن به مسیحیت روم بازمی‌گردد؛ ولی این نام‌گذاری به قرن بیستم و دوران تقابل مدرنیسم و مسیحیت سنتی مربوط است.

2. Justin de Naplouse

صورت سوم: این صورت همان شیوه منتخب و پیشنهادی هنری دوله‌وگ است. وی رسالت خود را با همراهی عالمان ادیان دیگر، تعمیق و گسترش آن می‌داند؛ وی با عقیده فراوان و ضمن احترام و ارزشی که به توصیه شورای اسقف‌ها درباره دیگران دارد، در این زمینه فعالیت می‌کند. دوله‌وگ بر این باور است که نباید با کوچک شمردن معارف دیگر ادیان، به بخش کوچکی از آیین مسیحیت، راضی شویم. وی معتقد است ارتباط ما با خداوند، باید در عقاید دیگر ادیان هم بررسی شود. معتقدانستن عقاید دیگران، اجازه می‌دهد که عقیده ویژه خود را نیز توسعه دهیم و فهم خود را درباره پروردگار غنی‌تر سازیم. ماهمگی مسئولیت داریم تا در کنار یکدیگر پادشاهی خداوند را برقرار کنیم. (H. de la Hougue, 2011: 33)

۵. نتیجه‌گیری

به باور هنری دوله‌وگ، تعدد ادیان مانع از این نیست که ما آنها وحیانی و برحق بدانیم. این باور از این روست که دوله‌وگ منشأ دین اسلام را نیز وحیانی می‌داند و به خلاف برخی عالمان مسیحی دلیلی بر انقطاع وحی پس از حضرت عیسی نمی‌یابد. افزون بر این، او نقاط اشتراک بسیاری در حوزه اخلاق، عقاید، نبوت و نقش انبیا، توحید و نیز برخی مسائل کلامی جدید مانند جایگاه عقل و ایمان در دین، میان آموزه‌ها و معارف اسلام و مسیحیت می‌یابد که زمینه‌های بسیار مناسبی برای متفکران هر دو دین آیین است. البته چنان‌که گفته شد، این اندیشه دوله‌وگ، در جهان مسیحی در اکثریت نیست و حتی در فرانسه نیز چندان مطلوب کلیسای کاتولیک قرار نمی‌گیرد؛ اما تلاش‌ها و جایگاه علمی و دینی هنری دوله‌وگ می‌تواند این امید را زنده نگه دارد که این نظریه و تفکر بتواند رفته‌رفته به جایگاه درخور خود در جهان مسیحیت معاصر برسد. اندیشه‌های او و نگاه او به ادیان به‌ویژه اسلام و تشیع نیز به باورهای مسلمانان و عالمان دینی بسیار نزدیک است و همین موضوع زمینه‌گفت‌وگوهای گسترده‌تری را فراهم می‌آورد و بی‌شک برکات علمی و فرهنگی آن شامل هر دو دین اسلام و مسیحیت خواهد بود.

منابع

۱. تریسی، دیوید. (۱۳۷۴). «الهیات تطبیقی»، مترجم: بهاءالدین خرمشاهی، ارغنون، ۵-۶ (۲)، ۲۷۱-۲۹۲.
۲. همتی، همایون. (۱۳۸۰). «باز سخنی در الهیات تطبیقی». نامه فلسفه، ۱۱ (۵)، ۱۴۹-۱۵۹.
۳. هیک، جان. (۱۳۸۷). مباحث پلورالیسم دینی. (عبدالرحیم گواهی، مترجم). تهران: انتشارات علم.
4. Quinn, Philip L. & Meeker, Kevin. (1999). **The Philosophical Challenge of Religious Diversity**. usa: Oxford University Press.
5. Yandell, Keith E. (1999). **Philosophy of Religion: A Contemporary Introduction**. London: Routledge.
6. Collectif; Bousquet, François; & Hougue, Henri de La. (2017). **Le dialogue interreligieux: Le christianisme face aux autres traditions**. Desclée De Brouwer.
7. de la Hougue, Henri. (2001). **Le prophétisme de Muhammad** (p. 92). Presented at the Conférence sur l'islam, paris: de la Paroisse Saint Germain l'Auxerrois.
8. De La Hougue, Henri. (2011). **La distinction entre la foi des chrétiens et la croyance dans les autres religions dans Dominus Iesus**. paris: Theologicum...
9. de la Hougue, Henri. (2011). **questions, dilemmes et choix**, (23).
10. Hougue, Henri de La; & Doré, Joseph. (2011). **L'estime de la foi des autres**. Desclée De Brouwer.
11. Redaction. (2020, September 11). **Vendredi Mubarak** : Qui tait le prophète Mouhamed (psl)?